



جلال الدین محمد رومی بلخی

به مناسبت هشتصدمین سالگرد تولد



انتخاب و ترجمه اشعار از فارسی به انگلیسی: رفیق عبدالله
تصاویر: مینیاتورها و نگارگری‌های اسلامی-ایرانی

این کتاب برگرفته شده از اشعار مولانا جلال الدین محمد رومی است که توسط رفیق عبدالله گردیده و از فارسی به انگلیسی برگردانده شد و در سال ۲۰۰۶ توسط انتشارات FRANCES LINCOLN منتشر شده است. رفیق عبدالله از مسلمانان متولد آفریقای جنوبی است. وی نویسنده برنامه‌های متعددی برای رادیو بی‌بی‌سی، برنده‌ی جایزه‌ی فیلم‌نامه‌نویسی برای channel 4 و نویسنده اشعار و مقالات بسیار برای مطبوعات می‌باشد. او همچنین مؤلف کتاب منظر الطیر (چاپ فرانسه در سال ۲۰۰۲) که برداشت جدیدی از اشعار تمثیلی صوفیان است. او همچنین در بین عموم به دلیل اشعار و سخنرانی‌هایش شهرت دارد.

سرشناسه: مولوی، جلال الدین محمد بن محمد، ۶۰۴ - ۶۷۲ ق.
عنوان فرارمادی: دیوان شمس، فارسی - انگلیسی، برگزیده.
عنوان قرارمادی: مثنوی، فارسی - انگلیسی، برگزیده.
عنوان و پدیدآور: نسخه‌های بهشت مولانا/ رفیق عبدالله: تنظیم و تطبیق اشعار فارسی به انگلیسی و ترجمه مقدمه فاطمه کاوندی.
مشخصات نشر: تهران: نظر، ۱۳۸۵.
مشخصات ظاهری: ۱۳۶ ص: مصور.
شابک: 964-6994-55-5
باندکشت: فیا
باندکشت: فارسی - انگلیسی.
موضوع: شعر فارسی - قرن ۷ ق - ترجمه شده به انگلیسی.
موضوع: شعر انگلیسی - قرن ۲۰ ق - ترجمه شده از فارسی.
شناسه افزوده: عبدالله، رفیق، گردآورنده.
شناسه افزودن: کاوندی، فاطمه، ۱۳۴۷، مترجم.
شناسه افزودن: مولوی، جلال الدین محمد بن محمد، ۶۰۴ - ۶۷۲ ق، مثنوی، برگزیده.
شناسه افزودن: مولوی، جلال الدین محمد بن محمد، ۶۰۴ - ۶۷۲ ق - دیوان شمس، برگزیده.
رده بندی کنگره: ۱۳۵۸ / ۱۱۹ PIR ۵۲۹۰
رده بندی دیویی: ۷۳۱.۵۸
شماره کتبخانه ملی: ۲۶۷۵۱-۵۵

تقریباً
مولانا



تیراز ۲۲۰۰

موسسه فرهنگی پیامی چاب و نشر

طراحی عنوان کتاب: مسعود نجابتی

آماده سازی و اجراء صفحات: یحیی پاکدل

تنظیم و تطبیق اشعار فارسی به انگلیسی و ترجمه: فاطمه کاوندی

انجام امور پیش از چاپ: سعید کاوندی

آماده سازی، پیش از چاپ، چاپ و صحافی:

موسسه فرهنگی پیامی چاب و نشر

خیابان ایرانشهر / کرچه شریف / پلاک ۸ / تلفن: ۸۸۴۴۱۷۸

چاپ نخست: تهران ۱۳۸۶

شابک: ۹۶۴-۶۹۹۲-۵۵-۵

همه حقوق محفوظ است

موسسه فرهنگی پیامی چاب و نشر
چاب و نشر



فهرست شعرها

- آمد ز نای دولت یار دگر نوایی ۱۳۴
 آن خواجه را از نیمشب بیماری پینا شده ست ۹۲
 آن ره که بیایدم کدام است ۵۲
 امروز دیدم یار را، آن رونق هر کار را ۹۴
 ای جان تو جفم را از خویش خبر کرده ۱۶
 ای دل بیقرار من راست بگو چه گوهری ۸۲
 اینک آن مرغان که ایشان بیضه‌ها زرین کنند ۱۰۸
 با دل گفتم چرا چنینی ۹۰
 باز آمد آن مهی که ندیدش فلک به خواب ۵۶
 بانگ گردشهای چرخ است این که خلق ۱۴
 بر چرخ سحر گاه یکی ماه عیان شد ۱۸
 بشنو از نی چون حکایت می‌کند ۵۴
 جان پیش تو هر ساعت می‌ریزد و می‌روید ۵۸
 چو مست روی توام ای حکیم فرزانه ۱۰۲
 چون آینه را ز نما باشد جلم ۴۴
 چون تو می‌بینی که نیکی می‌کنی ۱۱۴
 چون ز ساعت ساعتی بیرون شوی ۱۰۰
 چون شکوفه ریخت میوه شد بدید ۴۲
 چون نمایی آن رخ گلرنگ را ۸۶
 چه نزدیک است جان توبه جلم ۳۶-۳۷
 حال من خواب را ماند گهی ۶۶
 خنک آن دم که نشینم در ایوان من و تو ۲۴
 در رخ عشق نگر تا به صفت مرد شوی ۹۸
 دوش از سر عاشقی و از مشتاقی ۸۰
 دوشینه مرا گذاشتی خوش خفتی ۳۲
 زین دو هزاران من و مالی عجایم چه منم ۱۳۱-۱۳۰
 سالها مردی که در شهری بُود ۸۴
 شعر من نان مصر را ماند ۴۶
 شیخ خندید و بگفتش ای سلیم ۱۲۲-۱۲۳
 صد دهل میزنند در دل ما ۱۰۶
 طواف حاجیان دارم به گرد یار می‌گردم ۱۱۶
 عاشقی پیناست از زاری دل ۷۲-۷۳
 عشقت بر آسمان پریدن ۳۰
 فقر را در خواب دیدم دوش من ۶۰
 کرانی ندارد بیایان ما ۶۲
 گر جهان پُر شد ز تور آفتاب ۱۲۶
 گفت معشوقی به عاشق کای فتی ۳۲
 گوش دار ای احوال اینها را به هوش ۱۰۴
 لطفی نماند کلام صم خوش لقا نکرد ۷۰
 ما عدم‌هاییم و هستی‌های ما ۹۶
 مرده بدم زنده شدم گریه بدم خنده شدم ۴۸
 من توام تو منی ای دوست مرو از بر خویش ۲۶
 من چو در گور فرون خفته همی فرسایم ۱۲۸
 من دوش به تازه عهد کردم ۱۱۰
 من ذره بدم ز کوه پیشم کردی ۱۱۸
 نگاری را که می‌جویم به جانش ۲۸
 نماز شام چو خورشید در غروب آید ۷۸
 نوردل ماروی خوش تو ۲۱-۲۰
 وحی آمد سوی موسی از خدا ۳۴
 همچنان دنیا که حلم نایم است ۷۶
 همچنان که هر کسی در معرفت ۱۲۰
 یک حکایت گویمت بشنو به هوش ۸۸

مقدمه

چرا پس از این همه سال، هنوز هم ما خواننده‌ی اشعار مولانا جلال‌الدین رومی هستیم، اشعار مردی عارف متعلق به زمان‌های بسیار دور با فرهنگی سراسر متفاوت، عالمی فرزانه که در قرن ۱۳ هجری می‌زیسته و به زبان فارسی می‌نوشته. در این اشعار چه سری نهفته است که ۷۰۰ سال پس از به نظم درآمدنش، ما را برآن می‌دارد تا بارها و بارها آن را بخوانیم و هر بار از کشف معانی جدید به شوق آییم؟

به عقیده من این راز را باید در خود زندگی جستجو کرد، چرا که انسان همواره در طلب نیرویی فراتر از خود می‌رود و در پی سرچشمه‌ی قدرت مطلق، ابدیت، عشق و زیبایی است، زیبایی یا همان جمال که در متون قدیمی اسلامی بسیار آمده و یکی از ۹۹ نام خداوند بزرگ است. این در طلب بودن درواقع همان حس بازگشت به اصل خویش است برای انسانی که در این دنیا، تنها و سرگردان رها شده و همین نکته جوهر اصلی اشعار مولوی است و همان رمزی که ما را به سوی خود می‌خواند. ارزش و مرتبه عرفانی اشعار مولانا بسیار بیش از اینهاست که گفته شد، مجموعه‌ای سرشار از حکمت، خرد و شور عشق، منظومه‌ای اسرارآمیز و معنوی که به ما انرژی و شور می‌بخشد، رولند بارتز مجموعه اشعار مولانا را چنین می‌خواند: شور و هیجانی مسرت‌بخش که ما را به سوی خود می‌کشد و جانی تازه می‌بخشد حتی هنگامی که از فراغ و جدایی شکایت می‌کند.

برای خواندن و درک اشعار مولوی، اول قدم عاشقی است، باید در میان ابیات فرو روی و خود را به دست فراموشی سپری، آنگاه می‌توانی به حضور نیرویی عظیم



پی‌بری، نیرویی لایزال که تو را دربرمی‌گیرد. اشعار مولوی را نه تنها می‌توان در خلوت تنهایی خواند بلکه این اشعار را می‌توان به صورت گروهی مانند یک سمفونی اجرا کرد و تعجبی ندارد اگر مولوی را بنیانگذار رقص سماع درویشان بدانیم چرا که او معتقد بود خلسه واقعی یا همان تعالی روح و جسم زمانی اتفاق می‌افتد که جسم با حرکات تند خود سطوحی از آگاهی و هشیاری را آشکار سازد. در بینش مولوی مرزی میان جسم و روح وجود ندارد و همه چیز در حال تغییر و تحول است، ما دائماً در حال گذار از حالتی به حالت دیگر هستیم و همه اینها نمایانگر قدرت الهی است، قدرتی که بر ما احاطه دارد مانند نوری که از خورشید به کل منظومه شمسی ساطع می‌شود. ما ذراتی هستیم که به گرد این مرکز عشق و قدرت می‌گردیم به قصد بازگشت به سوی او، حل شدن در او، و برای کشف حقیقت ذاتی خودمان و اشعار مولوی به خوبی نمایانگر این گم‌گشتگی، عشق و شیدایی است. انسان همواره به دنبال تکامل است و این تکامل تنها در گم شدن در معشوق واقعی است که تجلی می‌یابد.

اکثر اشعار منتخب در مجموعه حاضر برگرفته از دو منبع ارزشمند و بی‌نظیر، مثنوی معنوی و دیوان شمس تبریزی می‌باشد. دیوان شمس مشتمل بر غزلیاتی‌ست که مولوی برای الهام‌دهنده‌ی خود شمس تبریزی سروده است. شمس همان کسی است که با ورودی ناخوانده در زندگی آرام مولوی او را دگرگون ساخت و با ناپدید شدن ناگهانی‌اش درست مثل آمدن رازگونه‌اش مولوی را از خود بی‌خود کرد. به هر طریق در مسیر تغییر و تحولات درونی مولوی، عشق او به شمس تبریزی بهانه‌ای شد برای رسیدن به عشقی والاتر که همانا رسیدن به عشق الهی است.

مثنوی معنوی، دیگر کتاب ارزشمند مولوی مشتمل بر موضوعات آموزنده‌ای است که در قالب داستان‌هایی شیرین به نظم درآمده و در تمامی دوران‌ها مورد اقبال عمومی واقع شده. در این کتاب پندآمیز، مولوی سعی در شناساندن جنبه‌های عرفانی زندگی و بالا بردن درک معنوی انسان‌هاست. در میان مسلمانان مثنوی از ارزش و اعتبار ویژه‌ای برخوردار است چنان‌که به جرأت از آن به عنوان قرآن پارسی نام می‌برند.

در کتاب حاضر متن اصلی اشعار مولوی با ترجمه انگلیسی آن آورده شده است بالطبع برای آنان که با زبان فارسی که زبان اصلی اشعار مولوی است بیگانه هستند لذت موسیقایی و اثری نهفته در این اشعار را احساس و درک نمی‌کنند در ترجمه متن انگلیسی سعی بر آن بوده است که از طریق ترجمه‌های رایج یا تعبیر و تفسیرهای به عمل آمده به زبان‌های قابل فهم استفاده شود اما شکی نیست که هیچ کدام از این ترجمه‌ها قادر نخواهند بود حق مطلب را ادا کنند و ما را در درک بیشتر این اشعار الهی یاری رسانند.

شاید در زمان حاضر کسانی قادر باشند مطالبی به زبان‌های دیگر را با آگاهی و مهارت خود در ترجمه، کاملاً درک کرده و ترجمه کنند اما این مهارت تنها در مورد مطالبی صدق می‌کند که در زمان معاصر نوشته شده باشند، ترجمه و تفسیر اشعاری که مربوط به یک دوره‌ی تاریخی بسیار دور با ادبیات و فرهنگی کاملاً متفاوت و برای مردمانی از نوعی دیگر نوشته شده باشد بسیار دشوار می‌نماید. اما این نکته را نیز نباید کتمان کرد که اگرچه ما خواننده‌ی متونی هستیم که در زمان‌هایی بسیار دور برای مردمانی که سال‌هاست دار فانی را وداع گفته‌اند، خلق شده اما اهمیت و ارزش این اشعار همچنان پس از گذشت قرن‌ها قابل فهم و پندهایش

برای انسان امروزی نیز کاملاً عملی است. از همه مهمتر این که ما می‌توانیم این اشعار را با زبان و گویش خود بخوانیم بدون آن که در معنای آن خللی وارد آید و این خود همان پل ارتباطی است میان فرهنگ‌ها، زبان‌ها و دوران‌های مختلف که همواره هدف همه فرهنگ‌دوستان بوده است. و در اینجا لازم می‌دانیم اشاره کنیم در ترجمه انگلیسی به منظور رساندن مفهوم اصلی برخی اشعار و قابل درک کردن آنها برای خواننده خارجی، از ترجمه تحت‌اللفظی دور شده و در عین وفاداری کامل به متن اصلی و حفظ روح اشعار مولانا سعی شده آنها را به زبان معاصر نزدیک گردانده تا برای مخاطب امروز قابل فهم و درک باشد.

اگرچه در ترجمه انگلیسی کتاب نهایت تلاش در حفظ مفاهیم معنوی که مولانا در اشعارش گنجانده، شده است اما در این راه مشکلات فراوانی از قبیل تفاوت فرهنگ و زبان وجود دارد.

مولوی با سرودن این اشعار سعی داشت تا مخاطبانش را به خود آورد که دست از خودپرستی بردارند تا از سرچشمه‌ی لطف الهی بهره‌مند گردند. در زمانه‌ای چنین دلسرد کننده که همه ما در مسیری بی‌هدف دست و پا می‌زنیم و در دنیایی که به مدد پست مدرنیسم آنچه غیرواقعی است برایمان حکم حقیقت را یافته، اشعار مولوی سخنانی ارزشمند است که برایمان به یادگار مانده. اشعار او چراغی است فرا راه ما تا در پرتو آن به حقیقت ذاتی خود پی ببریم و به بالاترین درجات آگاهی دست یابیم، از خلوت خود و کالبد خاکی که گرفتارش هستیم به درآیم تا معنای حیات واقعی را دریابیم.

«رفیق عبدالله»

